

دیوان جام بشارت

«روح

حضرت صاحب الزمان (عج)

اثر

عباسقلی اکبری

«فقیر مرانده ای»

سرشناسه	اکبری، عباسقلی، ۱۳۰۳ -
عنوان و نام پدیدآور	دیوان جام بشارت در مدح حضرت صاحب زمان (عج) / اثر عباسقلی اکبری «فقیر مراغه‌ای».
مشخصات نشر	تبریز: اختر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۲۱۲ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۶۳۱-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فبیا
موضوع	محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - شعر
موضوع	شعر فارسی - قرن ۱۲
موضوع	شعر مذهبی فارسی - ایران - قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره	PIR۷۹۵۳/۵۳۵۵۹ ۱۳۹۴:
رده‌بندی دیویی	۸۵۱/۶۲:
شماره کتاب‌شناسی ملی	۳۹۰۰۹۳۸:



نشر اختر

دیوان جام بشارت در مدح حضرت صاحب الزمان (عج)

عباسقلی اکبری «فقیر مراغه‌ای»

ناشر: نشر اختر

چاپ اول ۱۳۹۴ / تیراژ: ۵۰۰ جلد / ۲۱۲ صفحه / قطع وزیری

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۶۳۱-۸

مرکز فروش: تبریز - اول خیابان طالقانی، نشر اختر

تلفن: ۳۵۵۵۳۹۳-۰۲۱

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان



فهرست

۱۳		و حیزه‌ای بر مجموعه
۱۵		جام بشارت
۱۵		اسماء الله
۱۸		ترجمه‌ی سوره حمد
۱۸		ترجمه‌ی قل هو الله
۱۸		صاحب دین مهدیا
۱۹		ساقی ابرار ما
۲۰		عشق دلارا
۲۱		عقده ز دل‌ها گشا
۲۲		خوشا
۲۳		مستانه یارا
۲۴		شرح متن قل کفا
۲۵		جمال‌ت کنز رحمت
۲۶		که او داند همه سر نهان را
۲۷		خورشید مه رخشان ما
۲۸		نور آن لقا
۲۹		مستزاد، بشناس خدا را
۲۹		ای خدا

۳۰	 مشتاق آن
۳۱	 خودشناس
۳۲	 از حیدر کرآر یاب
۳۳	 رویش بی نقاب
۳۴	 چشمه‌ها جاریست مانند گلاب
۳۵	 پاک سرشت
۳۶	 ره مستقیم گشاید
۳۶	 بحر حکمت
۳۷	 مستزاد، بر بند تو امید
۳۸	 نظم و نظامت
۳۸	 تقوا شهامت
۳۹	 ای صاحب ولایت
۴۰	 روز الست
۴۱	 بهتر است
۴۲	 عاقبت
۴۲	 برآید عاقبت
۴۳	 از شعله‌ی رخسار مست
۴۴	 از رخ دلدار مست
۴۴	 رود شب تارت
۴۵	 باشد کفایت
۴۶	 راه عشق
۴۶	 لطف خدا
۴۷	 در نقابست
۴۷	 گر کتابست
۴۸	 نور طلعت
۴۸	 در بین گل‌ها خار نیست
۴۹	 شاه جهان داشت
۵۰	 راه هدایت
۵۰	 بشارت
۵۱	 خواهد ز چشمانت زکات
۵۲	 کشف راز
۵۳	 روضه‌ی رضوانم اوست
۵۴	 ای دوست

۵۵	رفت رفت
۵۶	بر اشتیاق افکنده است
۵۷	دیدار گُلت
۵۸	بیعت
۵۹	مستانه بودن عیب نیست
۶۰	قامت دلجویت
۶۱	رهروان
۶۲	مستزاد بر بند تو امید
۶۳	صبح
۶۳	چه زیبا دلگشا است
۶۴	شور و نوا
۶۵	هیچ است هیچ
۶۵	ختم اولیا آمد
۶۶	لوح دل
۶۹	در جام دید
۶۹	در مدح مولای متقیان
۷۰	راه انتظار
۷۱	دل گواهی می کند
۷۲	شب یلدا
۷۳	هر آنچه بود
۷۳	هر چه بادا باد
۷۴	واله و شیدا
۷۵	حساب پاک سلطان می کشد
۷۶	سرخ گل گفت یار می آید
۷۶	مشگبار می آید
۷۷	احکام و پند
۷۸	صاحب دوران
۷۹	جهان را گیرد
۸۰	راه انتظار
۸۱	بر نور یزدان می رسد
۸۲	گلچین
۸۲	شراباً طهور
۸۴	سردار

۸۴	 باده‌ی کوثر
۸۶	 جام وحدت
۸۶	 ای نور بصیر
۸۷	 ای حکیم
۸۸	 باده‌ی اطهار هزار
۸۸	 یار بهتر
۸۹	 نامدار
۹۰	 برقرار
۹۱	 ای نکو کردار
۹۲	 یا صاحب ظهور
۹۳	 صفا و ذوق شور
۹۳	 منبع انوار فقیر
۹۴	 یار دلنواز
۹۵	 عبرت بگیر
۹۵	 جهان آراست بس
۹۶	 قبله‌ی جان‌ها
۹۷	 مستزاد، باشد همه مدهوش
۹۸	 غالب بر اعدا بایدش
۹۹	 عشق مولا بایدش
۱۰۰	 نوش و نیش
۱۰۰	 حکمتش
۱۰۲	 پایگاهش
۱۰۲	 جلالش
۱۰۳	 امتحانش
۱۰۳	 جانستانش
۱۰۴	 شفایش
۱۰۴	 باهوش
۱۰۵	 دین و شرف
۱۰۶	 گدا
۱۰۶	 شفق
۱۰۷	 منگر گوینده کیست بنگر گفتارش چیست
۱۰۸	 نور شمایل
۱۰۹	 تو را نیست چون بدیل

۱۱۰	شوق وصال
۱۱۰	عالم آگاه
۱۱۱	عالم بی عمل
۱۱۲	پرسد احوال
۱۱۳	احمد مختار گل
۱۱۴	شمیم زلف
۱۱۵	نور لقا
۱۱۵	نیک فرجام
۱۱۶	تو را می بینم
۱۱۷	مدهوشم
۱۱۸	شخص کامل را کند هم صحبت
۱۱۸	ساقی ابرار می خواهد دلم
۱۱۹	آن یار می خواهد دلم
۱۲۰	آشکار قسم
۱۲۲	یار قدیم
۱۲۴	یگانه گوهرم
۱۲۶	دسته گل
۱۲۶	بر در صاحب زمان رو آوریم
۱۲۷	بی انتها شدم
۱۲۸	نور پرفروغ
۱۲۹	تحقیقات
۱۳۰	زلف عنبرین
۱۳۱	از بهر درمان آمدم
۱۳۳	سایه ی مولا نگر
۱۳۴	شمس الضحای عاشقان
۱۳۵	ای ولای عاشقان
۱۳۷	ای عارفان
۱۳۸	ای عاشقان
۱۳۹	ساقی دلستان من
۱۴۱	هذا يومُ ينفعُ الصادقين
۱۴۲	جان معطر داشتن
۱۴۳	شاه دوران
۱۴۴	یار ضعیفان

۱۴۵	سیر گلستان
۱۴۵	عالم شود گلستان
۱۴۶	عالم شود چراغان
۱۴۷	آه هجران
۱۴۷	داند اسرار نهان
۱۴۸	جمله گردد شادمان
۱۴۸	طوفان
۱۴۹	مشگ ریزان
۱۵۰	ای جان جاودان
۱۵۱	شه مردان
۱۵۲	روح روان
۱۵۳	رمز نهان
۱۵۴	صادقان
۱۵۵	فَانْقُذُوا لَا تَنْقُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانِ جَهَن
۱۵۶	ظاهر شود صاحب زمان
۱۵۷	ترجمه سوره‌ی مبارکه‌ی الرحمن
۱۶۰	خالق عرش فرش
۱۶۱	عشق و اراده
۱۶۲	آینده
۱۶۲	نعمت بی‌شمار آینده
۱۶۳	آینده
۱۶۴	مهر تابنده
۱۶۵	سحرگاه
۱۶۵	نامرد و بی‌راه
۱۶۶	دین و ایمان
۱۶۶	ابروی هلالی
۱۶۷	مرغ عشق
۱۶۷	نکونام تو ماند جاودانی
۱۶۸	رسانیم آستانی
۱۶۹	گره گشائی
۱۶۹	گره گشائی
۱۷۰	پیر مغان آید همی
۱۷۱	انوار می‌آید همی

۱۷۲		تو سلطانی
۱۷۳		حکم فرمانم توئی
۱۷۴		در معنی لغات عرفانی
۱۷۴		«ساقی»
۱۷۴		«می»
۱۷۵		«می»
۱۷۶		میخانه
۱۷۷		مکتب خانه
۱۷۷		گدا
۱۷۸		پیر
۱۷۹		رخ
۱۷۹		بحر
۱۸۰		زلف
۱۸۱		دل
۱۸۲		جام
۱۸۲		ساغر
۱۸۳		پیمانه
۱۸۴		خال
۱۸۵		شراب
۱۸۵		کافر عشق
۱۸۶		کافر ظلمت
۱۸۷		معشوق
۱۸۸		«مخمس»
۱۸۸		ارمغان آورده‌ام
۱۸۹		می معشوق
۱۹۱		از چشم مردم در نهان
۱۹۲		شمع جهان
۱۹۴		یار بی تو
۱۹۵		جام طهور
۱۹۶		«مسدس»
۱۹۶		این ندا آورده‌ام
۱۹۸		«مسدس»
۱۹۸		گوهر بحر حقیقت

۱۹۹	رخ بر متاب
۲۰۱	عشق شورانگیز
۲۰۲	«ترکیب‌بند»
۲۰۲	ای دلستان
۲۰۴	یا حضرت صاحب زمان (عج)
۲۱۰	«رباعیات»
۲۱۱	«دویتی»

www.ketab.ir

وجیزه‌ای بر مجموعه

بنام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین
خداوند بخشنده و دستگیر کریم خطابخش و پوزش‌پذیر

این دومین مجموعه‌ی شعر به نام: «کلیات دیوان جهام بشارت» است که از شاعر معتقد و حساس «فقیر مراغه‌ای» در پیش رو دارید. نخستین دیدار من با فقیر، چند سال پیش در انجمن ادبی «اوحدی» بود، در آن هنگام، مردی را در حال قرائت شعر مشاهده کردم که از وجناش شرم‌گینی و حیا منشی جلوه‌گر بود؛ و چنان از ته دل و بن دندان شعر خود را می‌خواند که در دل‌های بیدار تأثیر می‌کرد و آدمی را بر این باور استوار می‌داشت که، سروده‌های خود را از روی اعتقاد درونی سروده است نه از روی تفنّن و خودنمایی.

راستی سروده‌های فقیر، بی‌آلایش و بدون رتوش است. آنچه دلش باور دارد، آن را روی کاغذ می‌ریزد و با قاطعیت و صراحت می‌توان گفت که عشق و مهر باطنی این شاعر معتقد و بیرنگ به حضرت علی (ع) به ویژه به فرزند ارجمند و برومندش حضرت مهدی (عج) چیزی نیست که از دیدگاه کسی پنهان ماند و این مهم در سراسر اشعارش سایه افکنده است.

در این مجموعه از معراج نبوی و مدح پیشوای شیعیان گرفته تا تفاسیری از قرآن اشعاری می‌خوانید که همه از ثبات باطن و اعتقاد پاک «فقیر» سرچشمه گرفته است. (از کوزه همان برون تراود که در اوست).

شاید عده‌ای به ضعف تکنیک بعضی از اشعار این مجموعه انگشت بگذارند، ولی مضامین بکر و سرّه در آن جبران آن نقصان می‌کند، جایی که فقیر متواضع خود را

شاعر نمی‌داند بلکه یکی از مداحان و خاک پای و خشور سترگ اسلام و جانشینان بر
حقش می‌شمارد و زاده‌ی طبع خویش را در طبق اخلاص نهاده و به پیشگاه امام
مهدی (عج) تقدیم می‌کند که:

ندارم تحفه‌ای بر پیشگاهت ثنا خوانم به صبح و شامگاهت
هوای عشق تو، اند سر ماست سرای قلب عاشق جایگاهت

«فقیر» درویش سوخته جان است و حقیر بی‌نام و نشان که در سال ۱۳۰۳ در (نوا)ی
شهر مراغه از یک خانواده‌ی صاحب قلم و پرهیزگار چشم به جهان گشود و پدرش
هویت او را (عباسقلی اکبری) مشخص گردانید. وی اکنون به شغل پرزحمت کشاورزی
می‌پردازد و با کدّ یمین و عرف جبین روزگار سپری می‌سازد.

وی براستی جبین گشاده‌ی درویشی از قید علایق رسته است و از دام هوس جسته،
که توکل بر خدا دارد و به توفیقش التجاء.

ما در این پیشگفتار از اشعار این شاعر جان سوخته و سال‌ها هنر آموخته به عنوان
شاهد نیاوردیم تا سخن به درازا نکشد و خوانندگان عزیز را به مطالعه‌ی این کتاب
حوالت می‌دهیم تا بخوانند و از این گلزار ادب، گل‌های مورد پسند خود را برگزینند.

من الله التوفیق و علیه التکلان

خادم ادبیات: یحیی. شیدا

۱۳۷۴/۶/۳۱